

خلاصه کتب نظام برتر و گذار در بحران

خسرو سلجوقی - کارآفرین اجتماعی

کتاب نظام برتر در سال ۱۳۸۰ و کتاب گذار در بحران در سال ۱۳۹۹ توسط اردوان مجیدی تألیف و منتشر شده است.

در کتاب اول، ایشان سعی کرده با نشان دادن ابعاد تحول و ماهیت واکنش‌های زنجیره‌ای، خصوصیات نظام آینده آموزش را شناسایی کند و با ارائه شواهدی بر آن، چگونگی شکل‌گیری آن را مورد تحلیل مختصر قرار دهد. بر اساس شواهدی که ارائه شده است، سه دوران آموزشی را ترسیم کرده است. در این ترسیم ما در انتهای دوران دوم آموزش قرار داریم و این در حالی است که دوران بعدی یعنی دوران سوم، به تدریج در حال شکل‌گیری است. تلاش ایشان در این کتاب، ترسیم ابعاد و خصوصیات دوران سوم آموزش است.

بخش اول کتاب، شمایی کلی از کتاب و مباحث اساسی آن است. در این بخش صورت مسئله ترسیم می‌شود و سعی شده است خواننده دیدی کلی از پاسخ را به دست آورد. بدنه اصلی کتاب در بخش‌های دوم تا چهارم قرار دارد.

توضیح یک موضوع معمولاً به دو شیوه انجام می‌شود. در شیوه اول ابتدا مفاهیم نظری بیان شده، سپس مثال یا مدلی برای نشان دادن رفتارهای سامانه‌ای که بر اساس آن مفاهیم بنا شده، ارائه می‌شود. در شیوه دوم ابتدا مثالی بیان شده و به تدریج بر اساس آن مثال، مفاهیم نظری مسئله توضیح داده می‌شود. در بیان موضوع کتاب از شیوه دوم استفاده شده است. ابتدا در بخش دوم کتاب مثال یا مدلی عملی را توصیف کرده که شمایی فرضی از آنچه نظام آموزشی دوران سوم خواهد داشت ترسیم شده است. در توصیف این مدل به شیوه تصاویر لحظه‌ای^۱ و ذکر نمونه‌ها و مثال‌های متعدد، نشان داده که در این نظام تحصیل چگونه انجام می‌شود، چه شکل‌هایی دارد، کار چگونه با آموزش توأم می‌شود، چه مفاهیمی در آن مطرح است و نظایر آن. سپس در بخش‌های بعدی، خصوصیات نظام آینده بر اساس این مدل مورد تحلیل قرار گرفته است.

آنچه در این مدل نشان داده می‌شود، یک فضای تخیلی از دنیای آینده نیست که ممکن باشد روزی راه‌های عملی سازی و فناوری‌های مورد نیاز آن ایجاد شود. بلکه این مدل کاملاً مبتنی بر فناوری و فنون موجود بنا شده است. برای آنکه امکان‌پذیری این مدل نشان داده شود، دو معماری تودرتوی سامانه‌های رایانه‌ای طراحی شده و بر اساس این دو معماری، یک مدل نمونه‌سازی شده^۲ در دانشگاه پیام نور ایجاد شده تا رفتار سامانه‌هایی را که بر اساس این دو معماری بنا می‌شوند ترسیم کند^۳. برخی از محورها و مبانی این دو معماری در فصل چهارم (اولین فصل از بخش دوم) تشریح شده است. این فصل یک فصل کاملاً تخصصی در زمینه مهندسی رایانه است. هرچند سعی شده است که مطالب این فصل نیز با زبانی ساده بیان شود، اما استفاده از آن احتمالاً برای سایر متخصصان کمی دشوار خواهد بود؛ اما این فصل به‌گونه‌ای تدوین شده که در صورت صرف‌نظر از خواندن آن، هیچ گسستگی در مطالب کتاب پدید نیاید و تنها استدلال‌ات امکان‌پذیری فنی مطالبی که در سه فصل بعدی بخش دوم بیان شده، در این فصل ارائه شده است.

در بخش سوم، خصوصیات دوران سوم در مقایسه با خصوصیات دوره‌های اول و دوم تحلیل می‌شود. فصل هشتم به دوران اول و فصل نهم به دوران دوم اختصاص دارد. سپس در فصول دهم و یازدهم، بیش از چهار خصوصیت دوران سوم آموزش، بر اساس تحلیل دوازده خصوصیت محیطی و اجتماعی این دوران، بیان می‌شود.

از یک دیدگاه، تا انتهای فصل یازدهم، به همراه فصل نتیجه‌گیری انتهایی کتاب، بحث کامل می‌شود؛ اما به نظر نگارنده یک موضوع باید در همین کتاب مورد بحث عمیق‌تری قرار گیرد. آن موضوع اسکلت‌بندی نظام دوران بعدی است. تا زمانی که این اسکلت‌بندی تبیین نشود، مشخص نمی‌گردد که چگونه خصوصیات مطرح شده برای دوران سوم آموزش، می‌توانند در یک نظام در کنار هم سامان یافته و مدل مورد بحث را تشکیل دهند. این اسکلت‌بندی همان ساختار تصمیم‌گیری نظام است که در بخش چهارم مورد بحث قرار می‌گیرد. بخش چهارم از بعد تخصصی با تمام بخش‌های دیگر کتاب متفاوت است. نظیر فصل چهارم در بخش دوم، این بخش نیز به‌گونه‌ای تدوین شده که خواننده محترم می‌تواند بدون ایجاد گسستگی در مطالب کل کتاب، از خواندن آن صرف‌نظر کند؛ اما در زمینه مهندسی سامانه، از نظر استدلال امکان ساماندهی خصوصیات مطرح شده در یک نظام واقعی و عملی، ارائه مباحث این فصل ضروری است.

1-Snap Shot

2- Prototype

^۳- در مورد این مدل، نگاه کنید به www.pnu.ac.ir/~majidi/MESBAH.html.

احتمالاً از نظر متخصصین، زمینه آموزش، بخش سوم بخش اصلی خواهد بود؛ و از نظر متخصصین زمینه آموزش به کمک رایانه و مهندسی نرم افزار، بخش دوم و بخصوص فصل چهارم بخش اصلی کتاب خواهد بود؛ اما از نظر نویسندگان و مهندسان سامانه و متخصصان علوم تصمیم‌گیری، بخش اصلی کتاب همان بخش چهارم کتاب است. در واقع یک دلیل نگارش این کتاب، توصیف این اسکلت‌بندی است. همان‌طور که در توصیف این کتاب از یک مدل شروع کرده و بر اساس آن نظام آموزشی را توصیف کرده است، کل نظام آموزشی می‌تواند به‌عنوان یک مثال برای توصیف اسکلت‌بندی باشد که با اسکلت‌بندی نظام‌های جاری کاملاً متفاوت است. اسکلت‌بندی یک نظام برتر. نظامی که نظام آموزشی تنها یکی از منصفه‌های ظهور آن خواهد بود. البته قصد اصلی این کتاب، توصیف نظام مورد بحث فارغ از نظام آموزشی نیست. به همین لحاظ در بخش چهارم تا حدی درصدد تشریح این نظام بر آمده است که برای بنای نظام آموزشی مورد بحث لازم است، نه بیشتر؛ و نظام آموزشی، محور اصلی مباحث و مثال‌های این کتاب را تشکیل می‌دهد.

به‌عنوان نتیجه‌گیری کتاب، بخش پنجم به مسیری که برای تحقق این نظام باید طی شود و مسائلی که در این مسیر مطرح است، اشاره مختصری را کرده است. شاید شیوه نگارش این کتاب چندان معمول نباشد. بخصوص از جنبه طرح مفاهیم نظری پس از طرح یک مدل و مبتنی بر آن.

آن‌ها که انتظار دارند این کتاب و سبک و سیاق و مطالب آن، مانند کتاب‌های موجود در هر یک از زمینه‌های تحولات اجتماعی و آینده‌نگری، فناوری آموزشی، علوم آموزشی، رایانه، فلسفه علم و نظایر آن باشد، این کتاب را کاملاً متفاوت خواهند یافت. برخلاف روش رایج و متداول کتب علمی موجود، که با روشی تجزیه‌گرا، بحث را به زیر موضوعاتی طبقه‌بندی کرده و در هر فصل، به بررسی یکی از این زیر موضوع‌ها می‌پردازد، ایشان با سیری متفاوت، به‌صورت ترکیب‌گرا این کار را انجام داده است. به‌جای تکه‌تکه کردن بحث به اجزاء مستقل، سعی در توصیف تدریجی و لایه به لایه یک مفهوم کلی است. مفهومی که به تدریج در هر یک از فصول عمیق‌تر می‌شود.

اول کلیاتی از موضوع را نشان می‌دهد و بعد به تدریج عناصر داخلی آن را تشریح می‌کند، تا پیوندهایی که بین این عناصر وجود دارند بیشتر آشکار و قابل لمس باشد. قصد ایشان تشریح اجزاء نظام نیست، بلکه بیان ترکیب و ساختار نظام دوران آینده آموزش است. نگاه کردن با همان دید متداول و تجزیه‌گرا به فصول این کتاب، باعث ابهام و گیج شدن شخص خواهد شد. بهترین کار آن است که با خود کتاب جلو بیاید تا مطلب را درک کنید. از روی فهرست نمی‌شود سریعاً به مطالب کتاب پی برد. با تندخوانی هم به‌سختی مقصود اصلی کتاب درک می‌شود. این همان روشی است که طبیعت در انتقال مفاهیم بکار می‌برد. همان‌طور که یک کودک با زبان و سخن گفتن آشنا می‌شود، نه به‌صورت طبقه‌بندی شده در کتاب‌های تجزیه‌گرای دستور زبان. همین باعث می‌شود که قضاوت و داوری، تا همه متن ولو به‌اجمال خوانده نشده باشد، مشکل و شتاب‌زده باشد.

مخاطبان این کتاب از نظر ایشان دو دسته‌اند. دسته اول افراد صاحب‌نظر، با قدرت طبقه‌بندی مفاهیم و صاحب دانش و تخصص، بخصوص در یکی از زمینه‌های آموزش (در تمام گرایش‌های آن)، آموزش به کمک رایانه، سامانه، تصمیم‌گیری و تحولات اجتماعی هستند. کتاب‌هایی که شامل یک نظریه علمی جدید باشند، معمولاً برای این دسته از افراد نوشته می‌شوند. دسته دوم افرادی از عموم جامعه هستند که سعی می‌کنند با تعمق در محیط اطراف خود، تا حد ممکن آگاهانه زندگی کنند. خواندن کتاب‌های علمی که صرفاً برای دسته اول نوشته شده باشد، معمولاً برای دسته دوم ساده و جذاب نیست.

اما تصور می‌شود در تحقق یک نظریه و شکل‌گیری یک نظام، بخصوص از بعد فرهنگ‌سازی آن، نقش دسته دوم از دسته اول کمتر نباشد. شکل‌گیری دوره سوم آموزش تنها در پشت درب‌های بسته ستادهای برنامه‌ریزی نظام آموزشی صورت نمی‌گیرد، بلکه این شکل‌گیری در نهاد جامعه و فرهنگ رخ خواهد داد. لذا این کتاب برای هر دو دسته از مخاطبان تدوین شده است. برای همین از سبکی استفاده شده است که هم علمی و مستدل و طبقه‌بندی شده و هم پیوسته، ساده و روان باشد.

با توجه به اینکه مباحث مورد ارائه، چندبعدی و مربوط به چند زمینه تخصصی است، در انتخاب سبک نگارش، از بین سبک‌های متداول بیان نظریات علمی، سبکی انتخاب شده که بیشتر در کتب علوم اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ و شاید شخصی را که بیش از همه وامدار سبک نگارش ایشان باشد، آقای الوین تافلر است. هرچند این کتاب از نظر نگارنده بیشتر یک کتاب مهندسی است، ولی با زبان علوم اجتماعی ارائه می‌شود. از بعد محتوایی نیز در محدوده سیر تاریخی و دوره‌های تحول و تغییر، هرچند ممکن است همه‌جا توافق صد در صد با نظریات آقای تافلر نداشته باشد، نظریات ایشان نقش محوری داشته است؛ اما از دیدگاه‌های دیگر و بخصوص از دیدگاه سازمان‌دهی، طراحی و مهندسی و از نظر سیر سازمان‌دهی مفهوم مورد انتقال، این‌طور نیست.

این کتاب یک پیشگویی یا غیب‌گوئی نیست. تنها مبتنی بر شواهد موجود، بر شکل‌گیری نظام دوران آینده استدلال می‌کند. بسیاری از «شاید»ها، «احتمال دارد»، «به نظر می‌رسد»، «سعی می‌کنم»، و نظایر آن را حذف کرده است تا خواندن کتاب و درک آن دشوار و اعصاب‌خردکن نشود. ولی به‌جز ارائه شواهد در زمینه‌ای خاص، کار دیگری نمی‌کند. اصطلاحات متعدد جدیدی را که برای تبیین مفاهیم در حال شکل‌گیری بکار رفته است، نظیر مهندسی آموزش، آموزش مبتنی بر نیاز، تحصیل مکاشفه‌ای، مهندسی تصمیم، مدل فراکتالی، فراکتالیسم، حتی الامکان با حساسیت انتخاب شده، اما با توجه به این فضای واژه‌سازی

پهناور امروز و احاطه نگارنده به تنها بخش بسیار کوچکی از این فضا، احتمال لزوم دوباره گزینی را مردود نمی‌شناسد؛ بنابراین سعی کرده به جای تمرکز بر نام، بر مفاهیم تمرکز داشته و عوامل گزینش واژه نیز به همراه سوابق جستجوهای انجام شده برای یافتن نام‌های مشابه، تا حد ممکن بیان شود.

از ابتدا در پی یافتن راه‌حلی برای مسئله ارتباط دانشگاه با صنعت، ارتباط بین حوزه و دانشگاه، مدرک‌گرائی، کتاب‌خوانی، دیوار بین آموزش و پرورش و دانشگاه و نظایر آن نبوده است، اما طی سیر معمول، کتاب خودبه‌خود به پاسخ بسیاری از این مشکلات در مباحث مطرح شده رسیده و در همان‌جا بحث مختصری بر آن‌ها انجام شده است. سعی کرده است تا برخلاف بسیاری از متون علمی، تدوین به صورت شفاف و ساده انجام شود و از کلمات ساده و متداول استفاده شود. در استفاده از واژه‌های بیگانه یا فارسی تا آن حد که واژه مربوطه معنای بهتری را برساند و حتی الامکان فارسی باشد کفایت شده است و در فارسی نوشتن تعصب نورزیده است؛ مثلاً از کلمه نامتداول «تار» به جای واژه بیگانه ولی متداول «وب» استفاده نشده است. از هر دو واژه «سامانه» و «نظام» استفاده شده است. واژه «نظام» اغلب در مورد سامانه‌های کلان و واژه «سامانه» در مورد سامانه‌های خرد استفاده شده است.

آنچه در این خلاصه از خصوصیات این کتاب بیان شد، سعی و تلاش و هدف نگارنده بوده است؛ اما اینکه تا چه حد در این تلاش و دستیابی به آن موفق بوده است، هر مزیت از کرامت و عنایت را به خداوند متعال ارجاع داده است، و هر عیب ناشی از ناتوانی نگارنده از استفاده از آن کرامت و عنایات باری تعالی اعلام شده است.

نظام برتر از دیدگاه نظام آموزشی:

تحولی که به تدریج در حال شکل‌گیری در نظام آموزشی است، بسیار عمیق‌تر از آن است که تصور می‌شود. در درون و بیرون نظام آموزشی کهنه امروزی، واکنش‌های زنجیره‌ای پراکنده‌ای در حال شکل‌گیری است. با به هم پیوستن این واکنش‌ها، بنیادهای نظام آموزشی جدیدی بنا خواهد شد که با تحولات سریع و عمیق محیط سازگاری بسیار زیادتری خواهد داشت.

نظام آینده نه تنها از ابعاد شکلی و ابزاری متفاوت بوده، بلکه این تفاوت ماهوی خواهد بود. نظام برتر آینده تنها به استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای توسط فراگیران و کلاس‌های مجازی و نظایر آن محدود نمی‌شود. بلکه مفاهیمی چون فراگیر، مدرک تحصیلی، آموزش، کار، کلاس، تحصیل و نظایر آن، نسبت به معنای امروزی آن‌ها دچار تحول خواهند شد.

در این کتاب سعی شده است با نشان دادن ابعاد این تحول و ماهیت این واکنش‌های زنجیره‌ای، خصوصیات نظام آینده آموزش را شناسایی و با ارائه شواهد، چگونگی شکل‌گیری آن را به‌عنوان سومین دوران آموزش مورد تحلیل مختصر قرار دهد.

نظام برتر از دیدگاه مهندسی نرم‌افزار و آموزش به کمک رایانه:

دیدگاه‌های متداول از سامانه‌های آموزش به کمک رایانه، معمولاً محدود به استفاده از ابزارهای رایانه‌ای برای ارائه و ارزیابی آموزش است. ضمن آنکه محدودیت‌ها و مشکلات توسعه سامانه‌های آموزش به کمک رایانه، فراگیری این سامانه‌ها را به‌عنوان یک راه‌حل جدی در آموزش رسمی، دشوار می‌سازد.

در این کتاب یک معماری سامانه‌های آموزش به کمک رایانه، تشریح می‌شود و بر اساس آن مدلی از نظام‌های آموزشی که مبتنی بر این معماری شکل می‌گیرد توصیف می‌شود. مبتنی بر این معماری نشان می‌دهد که:

- نه تنها استفاده از سامانه‌های آموزش به کمک رایانه می‌تواند ساده‌تر، وسیع‌تر و ارزان‌تر از آنچه تصور می‌شود صورت گیرد.
- بلکه این استفاده می‌تواند تغییرات بنیادی و اساسی را در مفاهیم مطرح در زمینه آموزش ایجاد کند و بسیار عمیق‌تر از تبیین‌های فعلی باشد.

نظام برتر از دیدگاه مهندسی آموزش و فناوری آموزشی:

تکه‌هایی از متن فصل هفدهم کتاب:

... برای تحقق نظام آموزشی دوران سوم، نیاز به فراهم ساختن بستره علمی مناسب، بخصوص در زمینه علوم آموزشی وجود دارد. به نظر می‌رسد ساختار علوم و رشته‌های مطرح در زمینه آموزش، از بنیان‌ها و ابزارهای کافی برای حمایت علمی از تحقق چنین نظامی برخوردار نباشد؛ و به نظر می‌رسد، مهم‌ترین بعد این عدم‌کفایت در علم طراحی نظام آموزشی نهفته باشد....

... احساس نیاز به دانشی است که به فراروند سازمان‌دهی نظام آموزشی و فراروند ارائه و ارزیابی آموزش، با نگرشی سامانمند توجه کند... نیاز به سازوکاری برای ایجاد یک نظام آموزشی کاملاً محسوس است. سازوکاری که دو دسته از فراروندها را تبیین و طراحی کند. دسته اول، فراروندی است که منجر به طراحی و ایجاد یک نظام یا یک سازمان آموزشی شود؛ و دسته دوم فراروند ارائه آموزش است...

.... در آموزش نیز انتظامی لازم است تا مراحل تحلیل و درک خواسته‌ها، طراحی، پیاده‌سازی و نگهداری از یک سامانه آموزشی را به‌صورت روشمند و سازمان‌یافته تبیین کند. ما این انتظام جدید را مهندسی آموزش می‌نامیم....
...مهندسی آموزش انتظامی است که فراروند تحلیل، طراحی، پیاده‌سازی و نگهداری دو سطح اول و دوم را به شکل نظام‌مند درمی‌آورد.
...

نظام برتر از دیدگاه روش‌ها و الگوهای آموزشی:

یک بحث مهم در روش‌های آموزشی، پیاده‌سازی روش‌ها طی یک سامانه فراگیر و امکان‌پذیر است. بسیاری از روش‌های آموزشی، معالوف اثبات مزایا و برتری آن‌ها در امر تعلیم و تربیت، به دلیل مشکلات اجرایی و عدم امکان‌پذیری پیاده‌سازی آن‌ها در نظام آموزش صنعتی، متروک مانده‌اند.

در این کتاب نشان داده می‌شود که فراهم کردن یک بستر مناسب، مبتنی بر یک ساختار تصمیم‌گیری با ویژگی‌های مشخص، چگونه می‌تواند نه تنها امکان تحقق بسیاری از روش‌های آموزشی را فراهم سازد، بلکه ایده روش‌های متعدد و جدیدی را مطرح سازد که در الگوواره نظام آموزشی کنونی، به مخیله طراحان راه پیدا نمی‌کند.

در طی مباحث کتاب، چگونگی تحقق و شکل‌گیری بسیاری از روش‌ها و الگوهای آموزشی نظیر آموزش مبتنی بر نیاز، یادگیری گروهی و تعاملی، آموزش خلاقیت، آموزش چگونه یادگرفتن به‌جای یاددادن و... در جامعه آموزشی دوران آینده تشریح می‌شود.

نظام برتر از دیدگاه تحلیل آینده و علوم اجتماعی:

بشر دو دوران مشخص را در آموزش پشت سر گذاشته است. در دوران اول آموزش از طریق استاد و شاگردی، بر طبق نظریات و روش‌های مستقیم استاد انجام می‌شد. ...دوران بعدی دورانی است که آموزش کارخانه‌ای را مرسوم ساخت. یک کلیشه و قالب استاندارد در مورد مجموعه وسیعی از فراگیران اعمال می‌شد. ...ما هنوز در این دوران قرار داریم، اما شواهد متعددی از بی‌اعتبار شناختن اصول این دوران و سنت‌شکنی‌ها و تخطی مشاهده می‌شود. این دوران در حال اضمحلال و ما در آستانه ورود به دوران سوم هستیم؛ اما دوران سومی که در حال ورود به آن هستیم چه خصوصیاتی دارد؟ این همان موضوع اصلی بحث این کتاب را تشکیل می‌دهد.

پس از تحلیل خصوصیات دوران اول و دوران دوم، خصوصیات دوران سوم در مقایسه با خصوصیات دوره‌های اول و دوم، بر اساس تشریح مدلی از آنچه که در حال شکل‌گیری است تحلیل می‌شود. در این تحلیل، بر اساس دوازده خصوصیت محیطی و اجتماعی این دوران، بیش از چهل خصوصیت دوران سوم آموزش بیان می‌شود.

نظام برتر از دیدگاه ساختار تصمیم‌گیری و نظریه آشوب:

یک هدف این کتاب، توصیف یک ساختار تصمیم‌گیری نظام‌های در حال شکل‌گیری در آینده است. از نظام آموزشی دوران آینده به‌عنوان مدلی برای توصیف رفتار این ساختار استفاده می‌شود.
مفاهیم مطرح در نظریه آشوب و هندسه فراکتالی، قرابت بسیار زیادی را با این ساختار دارد و از این‌رو از این مفاهیم برای توصیف آن استفاده می‌شود.

تکه‌هایی از متن فصول پانزدهم و شانزدهم کتاب:

...یک ساختار فراکتالی ساختاری است که از پاره‌های مستقل، بدون قاعده و تصادفی که بر طبق یک بستره قاعده‌مند و مبتنی بر قوانین نهفته در طبیعت، مجموعه واحد و منظمی را ایجاد می‌کنند.

..استفاده از عبارت فراکتال، یک استفاده استعاری است ... دوازده خصوصیت مهم فراکتال و هندسه فراکتالی در این استعاره بیشتر مورد توجه قرار گرفته است:...

...تحقق بیست‌وپنج اصل، می‌تواند ما را به یک ساختار تصمیم‌گیری فراکتالی برساند. این اصول به‌نوعی یک جمع‌بندی آنچه از ابتدای کتاب تاکنون درباره ابعاد و اصول عملی نظام آموزشی دوران آینده گفته شد نیز هست...

... فراکتالیسم تفکری مبتنی بر اصول یک ساختار فراکتالی و گرایش دربردارنده یک سامانه عملی برای اصالت یافتن ساخت‌ها و مکانیسم‌های درونی موجود در طبیعت در طراحی یک سامانه است. توجه اصلی فراکتالیسم به شکل‌گیری یک سامانه خود سازمانده و تکامل‌یافته است. فراکتالیسم بر این اعتقاد استوار شده است که ساختارهای نهفته در طبیعت مخلوق خداوند متعال، بهترین الگو برای ایجاد سامانه‌هایی است که در تعامل با محیط دائماً در حال تغییر و تحول هستند...
نشر ترمه: - 6417346 متأسفانه نسخه کاغذی کتاب تمام شده است.

در کتاب گذار در بحران، مؤلف نظام تعلیم و تربیت فعلی را به‌عنوان یک بحران تبیین می‌کند که در ایفای مأموریت خودش با ناکارآمدی و مشکلاتی روبرو است. این بحران در عدم پاسخگویی نظام کنونی به نیازهای جامعه امروز و آینده است و گذار از نظام تعلیم و تربیت صنعتی کنونی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر

است. این ناتوانی نظام تعلیم و تربیت کل جامعه را درگیر بحران وسیعی کرده است. بحران دوم تحولات سریع محیط اجتماعی و فناوری و تمدن سایبری است که چندین سال است که چنین شرایطی را به ما تحمیل و مطالبه کرده است. تغییر نوع زندگی ما و فرزندانمان، تغییر سبک‌های زندگی، تغییر نحوه تعاملات، نوع دستیابی به منابع، تغییر نیازها، تغییر رویکرد تعامل با جامعه، تغییر سرعت و شکل تحولات، تغییر نقش‌ها در جامعه و حاکمیت، نمونه‌هایی از تغییراتی است که سایبری شدن جامعه و تمدن سایبری ما را دست‌به‌گریبان کرده است. تقریباً تمام مشخصه‌های بحران ایجاد شده کرونا، شکل تشدید یافته بحران تمدن سایبری است؛ و دوران کرونا در میانه راه را بحران کرونا نامیده است. این دوران یک تسهیل‌کننده برای گذار از بحران‌ها شده است؛ و تهدید را به یک فرصت تبدیل کرده است.

در این کتاب ابعاد این دو بحران ترسیم شده و تحولات رخ داده تحلیل قرار شده و معماری نظام گذار را با مقایسه‌ای بین معماری نظام کنونی و معماری نظام برتر در حال تحقق در آینده را تبیین کرده است.

از آنجاکه نویسنده پس از تألیف کتاب نظام برتر با مقاومت نظام رسمی کهنه و محافظه‌کار کنونی تعلیم و تربیت مواجه شده است و برخلاف اینکه حوزه تعلیم و تربیت باید در یک جامعه پیشرو، چند دهه جلوتر از نظام‌های دیگر باشد و حتی آن‌ها را به همراه خود به سمت پیشرفت و تعالی جامعه بکشانند! این نظام چند دهه عقب‌تر از حوزه‌های دیگر جامعه است. در نتیجه به‌عنوان یک نمونه‌سازی از ابعادی از برنامه درسی در سطح مدرسه‌ای، تجربه نظریه‌پردازی، طراحی، بسترسازی و راه‌اندازی **مدرسه حکمت** را در طی شش سال زمینه‌سازی و در هشت سال اجرایی کرده است.

در کتاب، **معماری نظام تعلیم و تربیت کنونی**، گذار و برتر را در سه دوران مختلف ترسیم کرده است؛ و خصوصیات آن‌ها را به‌اجمال مورد بحث قرار داده است؛ و سازوکارها و بسترهای راهبردی تحول و خصوصیات فناورانه آن را نیز مورد اشاره قرار داده است.

بر اساس این تحلیل، راهبردهای گذار را در قالب یک برنامه درسی نامتقارن پیشنهاد داده و در انتها نیز مدلی را از سازوکارهای عملیاتی در معماری گذار، به همراه گام‌های گلوگاهی برای تحقق آن بیان می‌کند. این گام‌های گلوگاهی شامل اقدامات محوری، تلاش‌های نهادهای مردمی، تلاش حاکمیتی و حکومتی سازمان رسمی، تلاش اجتماعی و درنهایت تلاش در سطح خانواده‌ها، برای ارتقای مشی خانواده می‌شود.

کتاب به‌جای تجزیه‌گرایی باید با نگاه ترکیب‌گرا مطالعه شود والا احساس خواهد شد بحث به حاشیه می‌رود؛ اما با نگاه ترکیب‌گرا بحث‌ها روشن و منطقی است.

پس از طرح بحث مقدماتی و روش‌شناسی، فصول ۳ تا ۵ به دیدگاه نظری و فصل ۶ به دیدگاه راهبردی از منظر طراحان و توسعه‌دهندگان و بعضاً نیز از منظر کاربران سکوها و زیرساخت‌ها و فصول ۷ و ۸ به دیدگاه راهبردی از منظر برنامه ریزان راهبردی و سیاست‌گذاران نظام تعلیم و تربیت و فصل ۹ نیز به سازوکارهای عملیاتی از منظر برنامه ریزان عملیاتی و فعالین نظام رسمی و نیز فعالین اجتماعی تعلیم و تربیت پرداخته است.

سازوکار عملیاتی در معماری گذار:

اولین عنصر، وجود سکوهای آموزشی متعدد است؛ که در آن‌ها محتوای آموزشی، در قالب منابع آموزشی باز و واگرا، ارائه شود. مدارس متفاوت با رویکردها و فضای عملکرد متفاوت تحت نقش تنظیم‌گری و تنظیم مقررات بین این سکوها، مدارس و تولیدکنندگان محتوا توسط حاکمیت و سازمان رسمی با ایجاد قواعد و استانداردها، نظارت و حمایت‌های مناسب، به شکل و سازوکار مناسب ایفا کند. مربی در تعامل مستقیم با شاگرد، طبق رویکرد استاد و شاگردی، هم در بستر سکوها، هم در محیط مدرسه، و هم در تعامل با محیط منزل شاگرد (از طریق سکوها)، رهبری و هدایت شاگردان را بر عهده دارند.

سه اقدام پیشنهادی نویسنده:

اولین اقدام، مستقل کردن اهداف آموزشی از کتاب‌های درسی است.

دومین اقدام، مدیریت حضور و تعاملات شاگردان در مدرسه، مبتنی بر سکو است.

اقدام سوم، رویکرد استاد و شاگردی است، وقتی تغییر رخ می‌دهد که معلم به‌جای قرار گرفتن در جایگاه تدریس و بازخواست، در جایگاه مربی و مرشد، در رویکرد استاد و شاگردی قرار بگیرد و ایفای نقش کند. مربی با واگذار کردن بخش اعظمی از فعالیت‌هایی که در حالت معمول در کلاس انجام می‌داد، به زیرساخت‌های سکو و بسته‌های آموزشی، خود بر تعامل رشد‌دهنده با شاگرد متمرکز شده و ابعاد یادگیری و رشد او را در نقش تسهیلگر، راهنمایی‌کننده، و ترغیب‌کننده دنبال می‌کند. مربی مدیریت تربیتی شاگرد و شئون مختلف او را بر عهده گرفته و با در نظر گرفتن تمام شرایط و خصوصیات که یک شاگرد دارد، به او در برداشتن گام‌های بعدی، مشورت می‌دهد.

نویسنده به دلیل دغدغه‌های خود مبادرت به تهیه سندی با عنوان «تربیت برای تمدن سازی نوین اسلامی - راهبرد ملی و تمدنی تحول تربیت عمومی و رسمی» کرده است که چکیده آن به شرح زیر است:

1- دو مسئله اساسی پیش روی سند تحول بنیادین:

دغدغه‌ها و اقدامات برای تحول نظام تربیت، به دو دلیل منجر به نتیجه نمی‌شود:

اول - حبس شدن سند و اقدامات در ابرانگاره 1 تعلیم و تربیت صنعتی و باور نکردن ابرانگاره جدیدی که در حال شکل‌گیری در تمدن نوین است. در تمدن جدید، ماهیت پدیده‌هایی نظیر کلاس درس، کتاب درسی و نظایر آن و قواعد و معادلات حاکم بر آن‌ها، تغییر می‌کند. در سند تحول بنیادین، تغییرات بر اساس همان الگوی قدیمی نظام صنعتی در نظر گرفته شده است. وقتی حاکمیت و سازوکارهای حکمرانی، در مقابل این تغییر پافشاری می‌کند، به همراه منسوخ شدن قواعد این ابرانگاره، قدرت حاکمیتی و حکمرانی خود را در این حوزه از دست می‌دهد. سند حاضر، تلاشی مبتنی بر فهم این تغییر ابرانگاره تمدنی جدید و تبیین نظام تربیت، مبتنی بر قواعد و معادلات این ابرانگاره است.

دوم - نبود یک نگاه یکپارچه و مبتنی بر یک معماری، به تبیین مؤلفه‌ها و ترکیب‌بندی نظام تربیت. در سند تحول گزاره‌هایی زیبا ذکر شده است، اما ترکیب‌بندی آن به همراه نظام موجود در حال اجرا، اجازه تحقق آن گزاره‌های زیبا را نمی‌دهد. تلاش معمار سند پیشنهادی بر آن بوده که سازوکارهایی که در سند حاضر تعریف شده، در یک تاروپود منسجم یک معماری، از یکدیگر پشتیبانی کنند.

1 - Paradigm

2- اهم ویژگی‌های سند پیشنهادی:

- 1-2- معماری سند با رویکردی نهادی طراحی شده است. تحول نهادی، از طریق دستورالعمل و بخشنامه و ابلاغ صورت نمی‌گیرد، بلکه در بافت جامعه و هنجارهای آن، با شکل‌گیری تدبیر، مطالبه و تلاش توأم اجتماعی برای تحقق آن، حرکت نهادینه شده‌ای در درون جامعه برای تحول صورت می‌گیرد. در رویکرد تحول نهادی، حاکمیت، به جای بسیاری از مداخلات غیرضروری، هوشمندانه، در نقاط گلوگاهی، با کمترین تلاش، نبض جریان تحول تربیت را در دست می‌گیرد و اجازه می‌دهد که توان خلاقیت و توانمندی‌های جامعه تربیت، خود به بهترین وجه، تحول را رقم بزند.
- 2-2- تعداد اقدامات اصلی محدود بوده و با شناسایی عوامل گلوگاهی در تحول نظام، یک حرکت زنجیره‌ای بین عوامل مؤثر، طراحی شده است.
- 3-2- چکیده مأموریت تربیت عمومی و رسمی از منظر این سند: تربیت متربیبان برای زندگی سالم و ایفای نقش مؤثر در جامعه، به گونه‌ای که جامعه پیشرفته آینده را در تاروپود تمدن اسلامی بنا کنند.
- 4-2- جامعه تربیت شامل سه طیف از نهادهای حاکمیتی و غیر حاکمیتی می‌شود: «نهادهای اندیشه‌ورز» (با محوریت حاکمیتی «شورای عالی آموزش و پرورش»، «نهادهای مجری» (با محوریت حاکمیتی «وزارت آموزش و پرورش») و «نهادهای ناظر» (با محوریت اجتماعی «شبکه نهادهای نظارتی جامعه تربیت»).
- 5-2- سند تحول، در دو سطح تدوین و اجرا می‌شود. در سطح اول یک سند راهبردی ملی (همان سند پیشنهادی) و در سطح دوم، سندهای محلی (در حوزه‌های محلی و مدارس که توسط جامعه تربیت همان حوزه، تدوین و اجرا شده و اجرای آن نیز مورد نظارت قرار می‌گیرد).
- 6-2- سند، ترکیب نظام تربیت را در قالب دو معماری ارائه می‌دهد: معماری برنامه درسی و معماری نظام کلان تربیت.

3- اهم ویژگی‌های چهارچوب معماری برنامه درسی:

- 1-3- معماری برنامه درسی، تبیینی سطح بالا از برنامه درسی تربیت عمومی و رسمی است و فقط در سطح برنامه درسی راهبردی (جهت‌گیری‌های محوری و اصول میدان یادگیری)، از تعیین جزئیات برنامه درسی (در هر قالب نظیر کتاب درسی و اهداف و روش‌های آموزشی جزئی) خودداری می‌شود.
- 2-3- برنامه درسی در سطوح محلی و مدرسه، به سطح برنامه درسی عملیاتی وارد می‌شوند.
- 3-3- الگوی کنونی برنامه درسی رسمی، کماکان با تولید وزارت آموزش و پرورش، به‌عنوان یک برنامه درسی مرجع، با تمام پشتیبانی‌های آن (نظیر چاپ کتاب‌های درسی و ...) حفظ و به‌صورت مستمر به‌روز شده و حوزه‌های محلی می‌توانند تمام یا بخشی از آن را به‌عنوان الگوی برنامه درسی خود اتخاذ کنند.
- 4-3- نهادهای تربیت و مدارس، مختارند در تعیین برنامه درسی عملیاتی خود، در چارچوب برنامه درسی راهبردی و ارزش‌های کلان تربیت مندرج در این سند، برنامه درسی عملیاتی خود را با نظارت شبکه نهادهای نظارتی جامعه تربیت، تدوین، تصویب و اجرا کنند.

تا زمانی که سند برنامه درسی آن‌ها تصویب نشود، کماکان الگوی کنونی برنامه درسی رسمی را اجرا کرده و تابع ضوابط آن خواهند بود. ضمن آنکه نهادهای اندیشه‌ورز، الگوهای متنوعی را برای طیف‌های مختلفی از مدارس، ایجاد می‌کنند.

3-5- جریان تربیت از زمان تولد به صورت مادام‌العمر، به شکل یکپارچه و به صورت متنوع، خلاقانه و مقتضی با شرایط، نیازها و امکانات جامعه، با مشارکت نهادهای مختلف و خود جامعه، تدبیر می‌شود، به گونه‌ای که کل جامعه، برنامه متنوع، خودسازمانده، ویژه‌گرا و فعالی را برای تربیت داشته باشد.

حاکمیت در این میان نقش محوری جریان ساز، بسترساز و جهت دهنده به جریان را ایفا می‌کند و تعیین جزئیات برنامه‌های تربیتی توسط جامعه تربیت، انجام می‌شود.

3-6- برنامه درسی راهبردی تبیین شده، یک الگوی انعطاف‌پذیر است که طیف وسیعی از مدارس تحولی با رویکردهای متنوع، می‌توانند در قالب آن فعالیت کرده و ضمناً مورد نظارت و ارزیابی کلان قرار گیرند.

4- اهم ویژگی‌های رویکرد و معماری حکمرانی نظام کلان تربیت:

4-1- تولیت حکمرانی نظام تربیت امری حاکمیتی است و باید توسط وزارت آموزش و پرورش و سایر نهادهای رسمی جمهوری اسلامی ایران انجام شود.

4-2- نهادهای حاکمیتی، باید زمینه مشارکت فعال و خلاقانه جامعه در امر تربیت را به صورت بسیج اجتماعی، نهادسازی و فعالیت مؤسسات و مراکز مردم‌نهاد، فراهم آورد.

4-3- تأمین منابع نهادها از طریق اختصاص سرانه هر شاگرد، برای تحقق عدالت آموزشی، با نسبت و میزان منطقی و مکفی، متناسب با شرایط هر شاگرد، صورت می‌گیرد. سازوکارهای مدیریت منابع در مورد حقوق معلمان و کارکنان در استخدام رسمی دولتی، در این توزیع منابع پیش‌بینی و طراحی می‌شود.

4-4- یک بسیج و جنبش اجتماعی برای مشارکت وسیع و فعال جامعه در حوزه تربیت ایجاد می‌شود.

4-5- ارائه گواهینامه‌های تحصیلی مبتنی بر رویکرد مدرک باز و مبتنی بر سازوکار تبیین توانمندی‌ها و شایستگی‌ها و تجارب، انجام می‌شود.

4-6- ارزشیابی نیروی انسانی در محیط کار به رویکرد کیفیت محور و ارزشیابی مستمر سوق پیدا می‌کند. دانشگاه‌ها در این میان نقش محوری را ایفا کرده و خود یک الگوی ارزشیابی و ارتقاء شایستگی نیروی انسانی را انتخاب، بومی‌سازی، یا طراحی کرده و در مورد دانشجویان خود اجرا می‌کنند. سپس نتایج آن به مدارک تحصیلی به صورت باز منتقل شده، به نحوی که مدارک تحصیلی دانش‌آموختگان، ابعاد شایستگی‌ها و توانمندی‌های آن‌ها را در ابعاد مختلف، منعکس کند. مورد انتظار است که در این صورت، به تدریج فهم و توجه این ابعاد شایستگی، به سطح جامعه منتقل شود. همچنین خدمات مشاوره در مورد الگوهای مورد استفاده و فرهنگ‌سازی نیز با محوریت دانشگاه‌ها انجام می‌شود.

4-7- برای اثربخشی و تحقق خلاقیت ناشی از تنوع رویکرد آموزشی، لازم است تا آزمون کنکور سراسری ورودی دانشگاه‌ها نیز از رویکرد فعلی به رویکرد متنوع و مبتنی بر نیاز دانشکده‌ها سوق پیدا کند. هر دانشکده، بر اساس خصوصیات رشته‌های تحصیلی و نیازمندی‌ها و خصوصیات آن‌ها، الگوهای شایستگی و نیز رویکرد آموزشی دوره‌های آموزشی رشته‌های تحصیلی، معیارها و سازوکارهای گزینش دانشجوی خود را تعریف و اجرا کنند؛ و کنکور سراسری به شکل فعلی برچیده شود.

4-8- نهادهای مشاوره، نظارت و ارزشیابی در سه سطح کادر تربیت، نهادهای فعال تربیت و نظام تربیت، به صورت مستمر به امر مشاوره، نظارت و ارزشیابی می‌پردازند.

5- اهم ویژگی‌های نقشه راه و اقدامات گلوگاهی:

تحول، با چند اقدام محوری در نقاط گلوگاهی، آغاز شده و بر اساس زنجیره‌ای از اقدامات تابع، گسترش می‌یابد پیوستن به میدان برنامه درسی تحول‌یافته، یک پیوستن اختیاری، انتخابی، تدریجی و با در نظر گرفتن، فراهم کردن و تحقق اقتضائات است، نه یک تغییر الزامی، بخشنامه‌ای، دستوری و فوری. تحول نظام و بافت جدید برنامه درسی، باید به صورت موازی و به تدریج، در کنار حفظ الگوی برنامه درسی موجود انجام شود. حوزه‌هایی که آمادگی پذیرش تحول را نداشته باشند، بدون نگرانی از متزلزل شدن روال کنونی، می‌توانند تا سال‌ها طبق روال کنونی تربیت، به فعالیت خود ادامه دهند. خود جامعه باید مطلوبیت این پیوستن را با فرصت درک و مشاهده کرده و داوطلبانه به آن بپیوندد.

اقدامات در خلال سه مرحله یا سه موج از کنش‌های اجتماعی و عملیاتی، صورت می‌گیرد. هر یک از این موج‌ها، منجر به ارتقاء سطحی از تحول نهادی در بافت نظام تربیت می‌شود.

- **موج اول - بیداری؛** که در آن با ظاهر ساختن نمود نظام تحول توسط **مدارس پیشرو، جامعه تربیت نسبت به ماهیت تحول** آگاهی پیدا کرده و برای اجرای آن **هشباری** لازم را پیدا می کند.
 - **موج دوم - توانمندسازی؛** که در آن **بخش های داوطلب و مستعد** توانمندی های لازم برای تحول را کسب کرده و به بافت تحول یافته می پیوندند.
 - **موج سوم - گسترش؛** در این موج بخش های محافظه کار و احیاناً کم توان تر در پذیرش تحول، با دریافت بازخوردهای اجتماعی از موج دوم، به تدریج با تحول همراهی می کنند.
- به نظر می رسد، موج اول در یک دوره **2 ساله**، موج دوم در یک دوره **4 ساله** و موج سوم در یک دوره **6 ساله** قابل تحقق باشد؛ هر چند که عوامل متعددی می تواند در کوتاه تر یا طولانی تر شدن این دوره ها مؤثر باشد.

کانال تلگرامی مدرسه یاری:

<https://t.me/+qS2qsE76yflxYmRk>